

بله، من در دانشگاه امام صادق (ع) از سال ۶۴ تدریس می‌کردم و از همانجا ایشان را می‌شناختم.

■ پس احتمالاً زمینه ورود به جامعه روحانیت هم از همین جاشد؟
بله.

■ از بعد از اینکه آمدید؟
دقیقاً من ۱۲ اردیبهشت ۱۳۷۸ اینجا معرفی شدم.

■ پیشنهاد چه کسی بود که بروید جامعه؟
خود آیت الله مهدوی.

■ همان ابتدا سخنگو شد یا بعد؟
نه، همان موقع سخنگو شدم.

■ یعنی در بدو ورود خلاصه همه کارها انجام شد؟
بله دیگر، خیلی فاصله‌ای نداشت.

■ وقتی وارد جامعه روحانیت شدید شرایط چگونه بود؟ در اوج بود؟ ثبات داشت یا نزول؟

شرایط خوب و روبه رشدی داشت.

■ چه کردید که این شرایط ادامه پیدا کند؟
البته کار خاصی انجام نشد. آنچه که مهم

بود اینکه نیروهای جدیدی وارد شده بودند کمک می‌کرد به بهبود شرایط و موقعیت، دیدگاه‌ها، نظرات و افکاری که مطرح می‌شد، کمک می‌کرد به اینکه شرایط بهتری را جامعه روحانیت تجربه کند.

■ آن سال‌ها آقای هاشمی و دیگران در جلسات شرکت می‌کردند؟
بله.

■ تاکی شرکت می‌کردند؟

البته ایشان همان وقت هم به دلیل شرایط امنیتی که داشت، یکی در میان می‌آمدند که تا ۸۸ ادامه پیدا کرد، آقای روحانی هم همین طور.

■ و بعد از ۸۸ حضور ایشان کم رنگ شد یا نه؟

آقای هاشمی هیچگاه اعلام نکرد و چیزی نگفت که من هستم، نیستم. بلکه برعکس، هر موقع مطرح می‌شد، می‌گفت همان روالی که از قبل داشتم اگر می‌خواهید که جلسه با حضور من باشد، بیا باید دفتر من. خوب قبلاً هم به دفتر ایشان زیاد می‌رفتم، ما چند کار از یاد می‌رفتم، یکی دفتر حاج آقا مهدوی که باتوق اصلی مان بود. یکی دفتر آیت الله یزدی که در شورای نگهبان بود. آنجا هم آقای هاشمی می‌آمدند.

■ جلسات جامعه ما همان است؟

خیر، دوهفته یکبار.

■ آقای روحانی تاکی می‌آمدند؟
تا ۸۸.

■ یعنی بعد از ۸۸ کم شد یا تعطیل؟
نه، دیگر نیامدند.

■ جز ایشان، چه کسانی؟

آقای ناطق (نوری)، آقای روحانی، آقای امامی کاشانی.

■ جامعه در سال ۸۸ از احمدی نژاد حمایت کرد؟

نخیر، جامعه روحانیت از او حمایت نکرد، ولی شخص آقای مهدوی از آقای احمدی نژاد حمایت کرد. دوره اول انتخابات سال ۸۸ اصلاحی دوره‌ای بود؛ اصلاً دو دوره‌ای نشد. ما رأی گیری کردیم سال ۸۸، آقای احمدی نژاد نصاب لازم برای اعلام رأی را نیاورد و از این جهت اعلام حمایت از ایشان نشد.

■ خود شخص آیت الله که حمایت کردند!

شخص آیت الله باتوجه به اینکه مثلاً تعداد افرادی که رأی مثبت داده بودند بیشتر بود اعلام حمایت کردند.

■ پس شما که می‌گویید جمع بندی نشد؟

جمع بندی یعنی رأی دوسوم اعضا که حاصل نشد.

■ چرا بعد پیگیری نکردید که بروید و رفع کدورت کنید؟
چرا پیگیری شدیم. خوب آقای...

■ خودتان حالا به عنوان جوان ترین فرد پیش قدم می‌شدید؟

آقای هاشمی که رابطه اش مثل قبل بود، رابطه تغییر نکرده بود، فقط جلسات دیگر در دفتر ایشان برگزار نشد؛ بیشتر می‌شود گفت باتوجه به موضعی که آقای هاشمی در جریان فتنه گرفتند، خیلی انگیزه برای حضور در دفتر ایشان نبود. این از این مسأله، نسبت به آقای ناطق مکرر سراغ ایشان رفتیم، جاهای دیگر ایشان را دیدیم و باهمدیگر صحبت کردیم و دوستان دیگر هم صحبت کردند، ولی ایشان دیگر حاضر نشد که بیاید. خوشبختانه اخیراً حضور پیدا کردند.

نسبت به آقای روحانی، ایشان هیچ گاه اعلام موضع نکرد، ولی نیامد. ظاهر این طور هم نبود که خودش را کنار بکشد ولی عملاً شرکت نکرد و حالت قهر هم نداشت؛ همین طور هم آقای امامی کاشانی، ایشان هم همین طور، البته بعد از رحلت آیت الله مهدوی یک جلسه حضور یافتند. اصلاً آقای ناطق انتظارش این بود که در جریان مناظره‌ها که به ایشان تعرض شد، مثلاً جامعه روحانیت بیانیه می‌داد و اظهار نظر می‌کرد که دوستان خصوصاً خود آقای مهدوی مصلحت ندیدند.

■ چرا؟

گفتند که این کار اثر منفی روی آرای مردم می‌گذارد؛ حالا باشد تا بعد از انتخابات مثلاً جبران می‌کنیم که بعد از انتخابات هم دیگر جناب آقای ناطق حاضر نشدند. نسبت به بقیه، نه اصراری بود بر اینکه حضور پیدا کنند نه آنها موضعی داشتند که حکایت از عزمی کند که نمی‌خواهند حضور پیدا کنند.

■ سال ۸۴ خبری منتشر شد مبنی بر اینکه چهار روحانی پیش آقای هاشمی رفسنجانی رفته و خواسته بودند که نسبت به آقای احمدی نژاد موضع پدرانه داشته باشند؟
خود من یکی شان بودم.

■ آن سه نفر دیگر چه کسانی بودند؟

مرحوم آقای فاکر، مرحوم آقای طباطبایی، آقای آشتیانی و خود من. نمی‌دانم نفر بعدی چه کسی بود.

■ نتیجه اش چه بود؟

ایشان قبول نکرد، خیلی گفته می‌شد. گفتیم شما جایگاهتان جایگاه رئیس مجمع تشخیص نظام هست. حالا که انتخابات صورت گرفته و ایشان هم رأی را آورده، شما موضع پدرانه بگیری. گفتیم که چنین موضعی را شما داشته باشید، ایشان قبول نکرد وزیر بار نرفت و کلاً آقای احمدی نژاد ابرای ریاست جمهوری مناسب نمی‌دانست و مخالفت سنگینی با این موضوع داشت.

■ طرفداران احمدی نژاد معتقدند به دلیل اینکه شما همه چیز بر خورد آخوندی دارید همیشه از احمدی نژاد ناراضی بودید. چطور بی‌جلب حمایت برای او بودید؟
بله همین طور بود، منتقد بودم، نه مخالف.

■ فقط چون ایشان مجلس به لباس روحانیت نبوده شما منتقدشان بودید؟

خیر، منتقد بودن ما بر اساس موازین بود. وقتی که ایشان رفتارشان به گونه‌ای نبود که حساسیت برانگیز باشد و مخالفت با مبانی و اصول داشته باشد، ما حتی همراهی هم کردیم، حمایت هم کردیم، ولی منتقد بعضی تصمیم‌های ایشان بودیم و این طبیعی بود چرا که ما هیچگاه با کسی در هر شرایطی با شد عقد اخوت نبسته ایم.

■ از جمله افرادی محسوب می‌شدید که دنبال استیضاح ایشان هم بودید؟

بله. اما به مجرد اینکه این پیام به سمتش رفت صبح روز بعد سر کارش حضور پیدا کرد، ما دیدیم دیگر دلیلی برای استیضاح نیست.

■ اگر حضور پیدا نمی‌کردند، این استیضاح اتفاق می‌افتاد یا مصالح سیاسی اجازه نمی‌داد؟
حتماً اتفاق می‌افتاد.

■ چرا در سال ۹۶ از آقای روحانی حمایتی نکردید؟ منظور جامعه است، در صورتی که ایشان از اعضای این تشکل بود. به این معنی نیست که جامعه اعضای خودش را قبول نداشت؟

بین ۸۸ تا ۹۲ آقای روحانی در جلسات جامعه شرکت نکرد و بود و با شرکت نکردن خودش نوعی فاصله را نشان می‌داد و علاوه بر این، برای کاندیداتوری با آیت الله مهدوی و سایر افراد برجسته جامعه ایشان مشورت نکرده بود. اصلاً طرح مسأله نکرده بود که ایشان کاندیدا هست که جامعه از او حمایت کند. تا اینکه ما بحث کنیم که ما از ایشان حمایت کنیم یا نکنیم. به عبارتی هم موضوع مطرح نبود و شرایط ایشان هم قبل از روزهای تبلیغات انتخابات، شرایطی نبود که حکایت از این کند که می‌تواند یکی از کاندیداهای درجه اول این دوره باشد و احتمالاً رأی آوری اش جدی شده باشد.